

کلیات

هلالي جغتایی

(شامل غزل، قطعه، رباعی، مثنوی، قصه‌ی شاه و درویش و صفات العاشقین)

گلستان شعر و ادب فارسی

(۳۶)

بکوشش

عباس یزدی

انتشارات فرهنگ دانشجو

سرشناسه: هلالی جغتایی، بدرالدین ۹۳۵ ق.
عنوان و پدیدآور: کلیات هلالی جغتایی / به کوشش عباس یزدی
مشخصات نشر: تهران: فرهنگ دانشجو، ۱۳۹۲، ۳۴۰ ص
شابک: ۹-۵۳-۸۴۷۹-۹۶۴-۹۷۸

شناسه افزوده: یزدی، عباس، ۱۳۳۰ بهمن
فروست: گلستان شعر و ادب فارسی (۳۶)
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۰ ق.
رده‌بندی دیویی: ۸۱۴/۴
شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۶۰۲۲۹

انتشارات فرهنگ دانشجو

عنوان: کلیات هلالی جغتایی
بکوشش: عباس یزدی
ویراستار: فرشاد یزدی
ناشر: فرهنگ دانشجو
طرح جلد: فرشاد
چاپ: سپهر
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۳
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

مرکز پخش: انتشارات فرهنگ دانشجو: خیابان انقلاب - خیابان مار - برج بهار

طبقه پنجم - واحد ۵۹۹

تلفن: ۰۹۱۲۳۱۳۷۵۹۵ - ۵-۷۷۶۱۶۹۵۴ - ۷۷۶۱۶۳۵۰۱

فکس: ۷۷۶۱۶۴۸۲

شابک: ۹-۵۳-۸۴۷۹-۹۶۴-۹۷۸

ISBN 978-964-8479-53-9

فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
تقدیم به:	۲
فهرست مطالب	۵
پیشگفتار	۹
زندگی نامه هلالی جُغتایی	۱۳
غزل ها	۱۹
پایه ها	۱۹۷
شعر ستر و حجره در هر مصرع	۲۰۰
قصه ها	۲۰۱
مُخَمَّل بـ نـزـل بـدی	۲۰۴
رباعیات	۲۰۵
«قصه‌ی شاه و گدا»	۲۱۱
مصایب شاعر و مناجات	۲۱۲
مناجات	۲۱۳
در نعت پیامبر ﷺ	۲۱۴
وصف معراج رسول الله ﷺ و صحابه و آن حضرت ﷺ	۲۱۵
در منقبت حضرت علی ﷺ	۲۱۶
تعریف کلام فصیح و شعر	۲۱۷
سبب تصنیف کتاب	۲۱۸
خطاب هلالی به مدّعی	۲۲۰
آغاز قصه‌ی شاه و گدا	۲۲۱
آزادشدن شهزاده از مکتب و ملول بودن درویش	۲۲۵
حال گدا هنگام شب در جدایی از شاهزاده	۲۲۶
حالات شاه و گدا در مکتب	۲۲۷
افسونگری شهزاده به معلم برای دلداری درویش	۲۲۷
حال عشق شاهزاده با گدا	۲۲۹
افشای راز عشق و ملامت عوام	۲۳۰
آگاه شدن مردم از حال درویش و پیدا شدن رقیب کافرکیش بداندیش	۲۳۱

۲۳۳		راندن گوتوال گدا را از مکتب به رقابت خود
۲۳۳		رفتن گدا به هنگام شب بر در شاهزاده
۲۳۴		نالیدن درویش در کوی شاه
۲۳۴		دیدار شاه از بام در شب ماه روشن
۲۳۵		کیوتربازی شاه و نظاره کردن درویش
۲۳۷		سر راه گرفتن رقیب درویش را
۲۳۸		جستن کبوتر شاه برای درویش و نامه نوشتن به بال او
۲۳۹		رفتن شاهزاده به میدان
۲۴۱		وصف کمان شاه
۲۴۲		ظره‌ی تیر و کمان با یکدیگر
۲۴۳		پاسخ کمان به تیر و صلح کردن
۲۴۳		آگاه شدن مردم از عشق‌بازی و دلداری درویش و بهانه‌ی وی
۲۴۴		حیله برای رقیب و آگاه نمودن شاه گدا را
۲۴۵		منتظر بودن شاه از کوه به مقدم شاه
۲۴۶		وصف غزال کوهی
۲۴۷		بزم آرایشی لشکر به سوار
۲۴۷		تعقیب غزال توسط شاهزاده و رسیدن به پیش گدا
۲۴۷		بزم آرایشی شاه و نظر کردن گدا
۲۵۵		رفتن شاهزاده به دیدار درویش
۲۵۵		به شهر آمدن شهزاده
۲۵۵		اقامت شاهزاده بر لب دریا و گدا بر کوه
۲۵۷		رفتن شاه پیش گدا و بشارت تخت نشینی
۲۵۹		نامه خسرو به شهزاده
۲۶۰		آمدن شهزاده به شهر و استقبال از او
۲۶۱		در صفت خزان و وفات خسرو
۲۶۲		وصیت خسرو و وفات او
۲۶۴		در موعظه و نصیحت
۲۶۵		به تخت نشستن شاه و وفای عهد با درویش
۲۶۵		آمدن گدا به دربار شاه
۲۶۶		وصال درویش و دوری او از جور رقیب

۲۶۸	پیروزی شاه بر دشمن و کشته شدن رقیب
۲۷۰	زندگی شاه و گدا با یک دیگر
۲۷۱	در بی‌وفایی عمر
۲۷۱	در خاتمه‌ی کتاب
۲۷۳	حکایت به طریق تمثیل
۲۷۴	مناجات
۲۷۵	صفات العاشقین
۲۷۶	در توحید خداوند بزرگ
۲۷۷	فلک با قبله‌ی حاجات و کعبه‌ی مناجات نکردن
۲۷۸	حضرت محمد ﷺ
۲۸۰	مراج پیامبر ﷺ
۲۸۲	در طایب و ناپاک از پیامبر گرامی ﷺ
۲۸۳	تعریف سحر و سحر و سحر و سحر
۲۸۴	باب اول: در عشق
۲۸۵	حکایت عاشق سرور و ... از سیاست
۲۸۶	باب دوم: در صدق و در ... با هم یک رنگ بودن
۲۸۷	حکایت معشوقان، عاشق صادق و مدعیان کاذب
۲۸۸	باب سوم: در وفا
۲۸۹	حکایت عاشق وفادار
۲۹۰	باب چهارم: در خوش خلقی
۲۹۱	حکایت دو صاحب جمال
۲۹۲	باب پنجم: در سخاوت
۲۹۳	حکایت خواجه و غلام صاحب جمال
۲۹۵	باب ششم: در شجاعت
۲۹۶	حکایت جوان
۲۹۷	باب هفتم: در همت
۲۹۸	حکایت شیرین و فرهاد
۲۹۹	باب هشتم: در احسان
۳۰۰	حکایت مجنون
۳۰۲	باب نهم: تواضع

۳۰۳	در تواضع و فروتنی.....
۳۰۴	باب دهم: در ادب.....
۳۰۵	حکایت سلطان محمود و ایاز.....
۳۰۷	باب یازدهم: پرهیز از ناشایستگی ها.....
۳۰۸	حکایت عاشقی که مطلوب خود را از رهگذر حیا یافت.....
۳۰۹	باب دوازدهم: صبر که کلید گنج است.....
۳۰۹	صبر و شکیبایی.....
۳۱۲	باب سیزدهم: در شکرگزاری نعمت.....
۳۱۳	حکایت فراق و دولت وصال.....
۳۱۴	باب چهاردهم: در توکل بر کرم رزاق.....
۳۱۵	حکایت عاشقی که با توکل که به وصال رسید.....
۳۱۵	باب پانزدهم: در شجاعت.....
۳۱۶	حکایت عاشق قنات کار و طمع کار.....
۳۱۹	باب شانزدهم: در پایداری.....
۳۲۰	حکایت عاشقان.....
۳۲۴	باب هفدهم: کم‌گویی به سبب بیانات است.....
۳۲۲	حکایت دو عاشق کم‌گوی بی‌فکری.....
۳۲۵	باب هیجدهم: کم خوابی.....
۳۲۵	حکایت ماه شبگرد.....
۳۲۶	باب نوزدهم: در عزلت یا گوشه نشینی.....
۳۲۷	حکایت عاشق عزلت‌گزین.....
۳۲۹	باب بیستم: در توحید خداوند یگانه.....
۳۳۱	داستان زلیخا.....
۳۳۲	ترک دنیای بی‌بقا و بی‌وفا.....
۳۳۴	مناجات.....
۳۳۵	در خاتمه‌ی کتاب.....
۳۳۷	فهرست انتشارات فرهنگ دانشجو.....

پیشگفتار

خداوند ادری از غیب بگشایی جمال شاهد لاریب بنمای
به حمد خویش گویا کن زبانم پر از شهد شهادت کن دهانم

آثار ادبی ایران، بازتاب اندیشه‌ها، باورها، هنرمندی‌ها و عظمت روحی و معنوی ملت بزرگ ایران است که از دیرباز تاکنون حوادث پرفراز و نشیب بسیاری را پشت سر گذاشته و امروز دست‌نخورده مانده است. غنای این آثار، نشان دهنده‌ی تجربه‌ها، ژرف‌اندیشی‌ها و تلاش و کوشش برای ارتقاء ادب و فرهنگ ایران و عظمت روح بلند و حقیقت جوی آنان است. هر برگ از ادب و فرهنگ ایران زمین، جلوه‌گاه نمایش آثار منظوم و منثور شاعران مشهوری چون فردوسی، منوچهری، عیسی، دی، حافظ، خواجه‌ی کرمانی، سلمان ساوجی، ناصر خسرو، خیام، سنایی، شیخ عطار، مولانا، جامی، صائب تبریزی، فیض کاشانی، وحشی بافقی، پروین، ایرج میرزا، بهار، قمشه‌ای، شهریار و نویسندگانی چون ابوالعلی سینا، ابوریحان بیرونی، عین‌القضت همدانی، ابوالفضل بیهقی، غزالی، قائم مقام فراهانی، دهخدا، معین و دیگران است که با بهره‌گیری از فرهنگ اسلامی و ذوق و کوشش فراوان خویش، آثار ماندگاری خلق کرده و سبب پیدایی گنجینه‌هایی را به یادگار گذاشته‌اند که جاذبه و شیرینی این آثار هر صاحب‌دلی را مستغرق می‌کند و این شعر دانشین مولانا را در گوش جان زمزمه می‌کند که:

آب دریا را اگر نتوان کتسید هم به قدر تشنگی باید رسید

مطالعه‌ی دقیق و عمیق این آثار، نه تنها جان را طراوات و شادابی می‌بخشد، بلکه روح را به پرواز درمی‌آورد و ذهن انسان را خلاق و شکوفامی‌سازد. زیرا هر بیت از این اشعار که الهام گرفته از کتاب وحی و بیانات اهل عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌باشد، درسی است

برای امید و زندگی و گامی بسوی عشق. عشقی که بنیان هستی و آفرینش انسان بر آن
نهاده شده است و به قول حضرت مولانا:

هرچه گویم عشق را شرح و بیان
شرح عشق را از من بگویم بر دوام

چون به عشق آیم، خجل باشم از آن
صد قیامت بگذرد و آن ناتمام

خواجه حافظ چه شیرین سروده است:
در این پرتو حسنت ز تجلی دم زد
بوه‌ای کرد زخت، دید ملک تاب نداشت

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
عین آتش شد ازین غیرت و بر آدم زد

خیام زندگی عشق را حتی برای یک روز هم ضایع می‌داند:

افسوس بر آن دل که در آن سوز است
روزی که تو بی‌عشق به سر او راه برد

سودا زده‌ی مهر دل افروزی نیست
ضایع‌تر از آن روز تو را روزی نیست

و چه خوش گفته حکیم نظامی که انسانی بدون عشق افسرده و بی‌جان است:

کسی کز عشق خالی شد، فسرده است
ز سوز عشق خوشتر در جهان نیست

کس این نیست جز در خانه‌ی عشق
که بی او گل نخندید، ابر نگریست

و اما هاتف اصفهانی چه خوش گفته است:

چشم دل باز کن که جان بینی
گر به اقلیم عشق روی آری

آن چه نا دیدنی است، آن بینی
همه آفاق گُلستان بینی

هر چه داری اگر به عشق دهی کافرم گر جوی زیان بینی

جان‌گذاری اگر به آتش عشق

عشق را کیمیای جان بینی

و سرانجام توصیف عشق را از کتاب «صفات العاشقین» مولانا هلالی بشنوید:

فلک یک سبزه از صحرای عشق است

اساسش از خلل خالی فتادست

به از سودای عشق اندیشه‌ای نیست

گر از غم جان دهد، شادی نخواهد

همین عشق است در عالم، دگر هیچ

شراب شوق را افسردگی نیست

به داغ عشق او می‌ساز و می‌سوز

جهان یک قطره از دریای عشق است

بقام عشق بس عالی فتادست

ز بار عشق بهتر پیشه‌ای نیست

اسیر سبزه آزادی نخواهد

زیان و عالم سر بسر هیچ

بهار عشق را به مرد نیست

دلا، پروانه‌ای، شرمی این روز

چو عشق مگر غم، شاد بنشین

ز غمها به جهان آزاد بنشین

اکنون خدای بزرگ را شاکرم که این توفیق را به من داد تا قطره‌ای از دریای بیکران آثار
این بزرگان را در اختیار علاقه‌مندان شعر و ادب فارسی قرار دهم. آرزو می‌کنم که:

کند بر من دعای تو خواند

این مجموعه را هر کس که خواند

در اصلاح خطای من بکوشد

و گسرنه دامن عفوی بپوشد

فروردین ۱۳۹۳ - عباس یزدی